

نگاه روز

بایدای تبدیل نقادی به فرهنگ



میرحسین مدرس

میان اصلاح تدریجی جامعه با ضرورت نقد از یک سو و نقدپذیری از تسوی دیگر، پیوند تنگاتنگ و نسبت معناداری وجود دارد. نقد در مفهوم سره از نامبرهای شناخته‌شده و صحیح و مفید و از یکدیگر تمیز دادن، نخستین گام برای اصلاح امور و نقدپذیری به مفهوم نزدیک شدن به سره و اجتناب از ناسره برای تصحیح امور دومیوم گام در مسیر اصلاحات است. نسبت میان نقد با نقدپذیری، نسبت وجود چراغ در فراسوی راه با وجود ظرفیت استفاده از چراغ است. هم‌نقد هم نقدپذیری ظرفیتی و فرصتی برای اصلاح‌پذیری تدریجی در یک جامعه است. اما آنچه مهم است بستربازی و الزامات تحقق نقد و نقدپذیری به ستاره دو ضرورت تکمیل یکدیگر در جامعه است. نقد و نقدپذیری بیش و پیش از آن که یک گفت‌وگو باشد، یک فرهنگ است. گفت‌وگو نقد و نقدپذیری آن گاه و آن جایی که تبدیل به یک فرهنگ شده باشد، قادر به اثر بخشی و کار آمدی در راه اصلاح جامعه نخواهد بود. جنای از الزامات و ادب نقد که در جامعه ما هنوز به درستی و با افتادگی و فراموشی عمیق شناخته نشده است و بدان پایبندی چندانی دیده نمی‌شود، به نظر می‌رسد فرهنگ نقدپذیری نیز هنوز جایگاه پایسته و شایسته‌ای را دست نیورده است.

نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که در برابر آن گریختن که نقدپذیری مبتنی بر فرهنگ تمکین به امکان نفس و خطا در لغز و لغز آندی و تلاش برای اصلاح در آن دیدشده و رفتارها است. انگاه آن جایی که بر آن آندیشه و پلور پلشمیم که گمان جایگاه و در نسبت با دیگر آدمیان و دیگر اندیشه‌ها و رفتارها در کرسی و مسند کمال نشسته‌ایم، لاجرم راه را بر هرگونه واقع‌اندیشی در پذیرش امکان خطا و تلاشی برای شرایط سلب خطا و ایجاد اصلاح مسدود کرده‌ایم.

جامعه، برای اصلاح‌پذیری تدریجی نیازمند نقد و نقدپذیری است. اما تحقق این نیاز مستلزم ایجاد بستری و شرایط امکان مناسب برای نقد و نقدپذیری است. آزادی و امنیت قلم و بیان برای نقد در چارچوب قانون و حقوق مدنی از یکسو و ایجاد و از قضا و اعتدالی نقدپذیری از یکسو سوی دیگر، از جمله الزاماتی است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. ایجاد چنین بستری و شرایطی مستلزم حاکمیت قفسای دایره گسه جای مولفولوژی است. نیازمند فضای مناسب برای افزایش آستانه و ظرفیت تقلید و آرای مختلف و مخالف است. دیکتاتوری و استبداد آندیشه و باورهای جسمی و آلوده به مطلق‌اندیشی و افراطی‌گری و انحصارطلبی، با ضرورت تحقق فضای سالم و کارآمد نقد و نقدپذیری برای اصلاح تدریجی جامعه راست نمی‌یابد.

به استناد تجربیات تاریخی، انگاه آن جایی که یک جامعه و از جمله جامعه ایرانی، در نتیجه تسلط آندیشه و از جناح و استبداد از ماجالی برای آندیشیدن و گفتن و نوشتن در فضای آزاد و امن و مبتنی بر عقلانیت و اعتدال را به دست نداده باشند، از اصلاح‌گزارانی‌ها در افکار و رفتارهای سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دور مانده‌اند. مانده نقد و نقدپذیری را نمی‌توان و نباید به یک فضای کوتاه محدود و محصور کرد. برای تحقق ستر مناسب، ترجمه اصلاحات تدریجی در جامعه باید فضای نقد و نقدپذیری را پشتیبان تعریف کنیم. تا جایی‌که برای تنفس هوای زندگی‌زنده شدن به کمال از رنگرنگ آسبیت‌ناشنای وضع وجود داشته‌ایم.

نقدپذیری در هر حوزه و مسطحی، نیازمند شجاعت و شهامت است. این شجاعت را باید از راه‌های گوناگونی چون آموزش و تمرین، تبدیل به یک باسور و فرهنگ در جامعه کرد. در برنو چنین فرهنگی است که می‌توان با اثر بخشی نقد و افزایش نقدپذیری در جامعه، راه اصلاح تدریجی در جامعه را تسهیل و تسریع کرد. به یاد داشته باشیم که حکومت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی که خودنقد و توانسند و افزایش ظرفیت تحمل تحولات خود را اصلاح‌کننده، بر ماندگاری و پربشریت خود در تاریخ و جوامع بشری افزوده‌اند.



کمپ‌های ترک اعتیاد شهری چقدر می‌توانند موفق باشند؟

شمارش معکوس

طرح نو شهردار

خاطره بازی عرسک و قاتیر یک عرسک بر بهداشت و درمان



نگار استخر

نگاهی به واقعیت گروه شبه‌نظامی «الشباب» در سومالی

محور خشونت در قاره سیاه



پان‌خونی

حیدر سلطانی

روشن‌فکر

اخیر فعالیت خود را از سومالی فراتر برده و کنیا و اوگاندا نیز اقدامات تروستی انجام داده است. چهارم آوریل سال جاری (۲ فوروردین) شبه‌نظامیان الشبیب، به خوگاله ۱۲۲ شهروان دانشگاه «گاریسا» در کنیا حمله کردند و ۲۵ نفر از دانشجویان مسیحی را به قتل رساندند. «جسور نیز» گزارش از این حادثه را منتشر کرد. «گروه جهادی الشبیب راسته به القاعده مستولیت این حمله را که مرگ‌گرا ترین حمله طی ۲۰ سال گذشته در کنیا محسوب می‌شود، برعهده گرفت. گفته است در این حمله مرگ‌گرا علاوه بر مهاجران، ۱۲۴ شهروند پابرس و سه نظامی کشته و ۱۰۲ نفر نیز زخمی شدند.»

پس از حمله شش‌به‌ه ه و خوگاله و درگذشت ۱۲۲ شهروان دانشجویان مسلمان را از دیگران جدا و آزاد کردند و بقیه دانشجویان را دست‌نخورده به سوی ساحل سال ۲۰۱۳ نیز گروه الشبیب حمله به یک مرکز تجاری در نایرویی کنیا ۲۷ تن را کشتند. فهرست جنایت‌های الشبیب فهرست بلند بالایی است. در تازه‌ترین تصاویری که «سوسه‌الکتاب» که به بخش تبلیغات جنبش الشبیب به شمل می‌یابد) منتشر کرده است، حدود ۱۰۰ شهروان در تروستی دامن به کمر می‌رود. توسط گروه العالم، سایت‌های نزدیک به «الشبیب» ویدیویی تحت عنوان «در دومین سالگرد» منتشر کردند که در آن عناصر الشبیب با خون‌سری گندم شهروندان را به رگبار می‌بندند و ویدیوی مذکور صحنه‌های هولناکی را از جنایات الشبیب نشان می‌دهد. در آن تعدادی از شهروندان که زندانی

تروستی‌ها بودند وادار می‌شوند با لباس وارد دریا شوند و سپس تروستی‌ها به سر آن‌ها شلیک می‌کنند. ویدیو سر نوشت اجساد را هم به تصویر می‌کشد که تعدادی از آنها زخمی به سطح آب فرار گرفته و تعدادی دیگر در حالی که متعفن دیده‌اند به ساحل بازگشته‌اند.

آغاز و شبه‌فکری الشبیب
فعلیات‌های الشبیب این سوال مطرح می‌کند که این گروه چگونه متولد شده است؟ گروه شبه‌نظامی الشبیب که در فهرست گروه‌های تروستی آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و اسارت‌فراز را در یک گروه اسلام‌گرای افراطی است که هدف خود را «جهاد» دشمنان اسلام است. آغاز فعالیت‌های این گروه افراطی را سال ۲۰۰۲ میلادی با مخالفت با اتحادیه دادگاه‌های اسلامی در سومالی می‌دانند. اعضای الشبیب سومالیایی‌هایی دیده می‌شوند که برخی از آنها از فرقه‌های رومیایی و آریکانی به این گروه پیوسته‌اند. در همین ارتباط، یک منبع امنیتی و اطلاعاتی آمریکا از تکرار یک حادثه که در سال ۲۰۰۱ اعلام کردند که با یکدیگر بحث شده‌اند «مختار اوبیرو» هم‌رئیس‌های الشبیب اعلام کرد که در عملیات‌های بین‌المللی الشبیب شرکت می‌کند. به نظر می‌رسد که الشبیب بعد از اتحاد با القاعده تکثیر شده و کارشناسان نیز از احتمال انجام حملات بین‌المللی توسط این گروه خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد که تروستی‌های شبه‌نظامی که مخالف فعالیت سرکشی خارجی در سومالی هستند نیز از الشبیب متشعب شده‌اند.

عمر فرقه‌های وریست این گروه را برعهده‌دار می‌گویند. مثلا این گروه شهرادری منطقه ۱۲، آموزش و پرورش منطقه ۱۱ است. اب با بوعلی است و گزارش به مرکز است. است و دفاع مشخص نیست چه کسی طرف حساب است. شهنیم که سوم این است که حجه زبانی از حالت تهران و آلامرد در آمده‌ای مالیاتی کل کشور را به خزانه می‌دهید اما متعلقه کمتر از ۳ ازین بودجه دارند. اینها تمول می‌شود که تهران تصور ما این است که تهران شهری توسعه یافته و یکی توسعه‌یافته‌ترین و پربازخنده‌ها و سرزده‌ها را می‌کند. می‌تواند به یک کلانشهر می‌شود. به عنوان مثال مدارس، خانه‌های بهداشت، برخی اسخا، سانه‌ها و ورزش‌های تهران فرسوده‌ترین سیستم در کشور است. اینها نشان ازین بودجه دارند. اینها تمول می‌شود که تهران شهری به خود را تمام کرده‌اند. چالش‌ها و مشکلات بشری هم خوب می‌شود.

گپ روز

شهر امنی نداریم

در حوزه آموزش‌های شهروندی ضعیف عمل کرده‌ایم

طرح نو - لیلیا مهرداد اسرم در کلانشهرهای ایران، اگر چه آب و گاز و سایر امکانات اولیه شهری را - که هنوز در بعضی از نقاط دور و نزدیک ایران همه‌راه با مشکلاتی وجود دارد با گاه وجود خارجی ندارد - دارند اما با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند که هیچ‌یک از این مشکلات حتی در محلیه یک فرد روستایی هم نمی‌گنجد. یکی از عمده‌ترین این مشکلات تهران است که البته شماری از کارشناسان شهری می‌گویند نباید بر آن نام کلانشهر گذاشت. شهری که مدینه آرزوهای بسیار است اما بخش بزرگی از این آرزوها در آن شکل سراب می‌گیرند. تهران، هم به عنوان یک کلانشهر و هم به عنوان پایتخت، جاذبه زیادی برای مهاجرت دارد. کسانی برای ادامه تحصیل جذب آن می‌شوند و برای هم‌سر به آن ساکن می‌شوند. گروهی هم برای یافتن شغل می‌آیند و معضل حاشیه‌نشینی و شغالی‌ها کاذب را برای این شهر به ارغمان می‌آورند. شهری که یک ششم جمعیت کشور را در خود جا داده و با معضلاتی دست‌وپا زده‌اند که گریبان است. ترافیک، آلودگی هوا و مساحت و سازه‌های نامناسب با ساختار استاندارد شهری و هزار و یک مسأله دیگر! اگر گشتی در این شهر بزنیم هر نوع گویی را در آن خواهیم دید: بره‌هایی را که رو به آسمان گذاشته‌اند تا جمعیت بیشتری را در خود جای دهند، کارن خواب‌هایی که هم از منظر بصری و هم از منظر امنیت، بار مضاعفی را روی این شهر گذاشته‌اند و نیز خیابان‌هایی که از آبتناش خود، چیزی شبیه اسفاده‌اترجه‌ی می‌کنند. روزه‌ها تنها صدایی که در این شهر شنیم می‌انگازد صدای بوق ممتد خودروهاست که راکیان آن عجله‌ای شگفت برای رسیدن دارند و برای آشنایی بیشتر با مشکلات و چالش‌های تهران، با حسین ملانی‌باب اول کمسیون اجتماعی و نماینده تهران در مجلس به گفت‌وگو نشستیم تا به گد راه‌ها می‌خواهید.

در یک نگاه کلی کلانشهری مانند تهران در چه شرایطی به‌سرمی‌برد؟

به‌نظر من مهم‌ترین مشکل تهران و شهرستان‌های حاشیه آن مشکل تداخت شهرستانی است که باعث شده مدیریت مردم تهران نامشخص باشد. در واقع مشخص نیست در تهران چه کسی به‌عنوان مدیر باید پاسخگو باشد مردم اگر مشکلی داشتند آیا بدون مراجعه به مدیران کشوری می‌توانند مدیران شهرستانی را مدبران شهری مراجعه کنند و اگر به هر علتی نتوانستند به راه‌ها باید به چه کسی مراجعه کنند. نکته دوم به هم ریختگی سازوکار تصمیماتی است. اجارات و سازمان‌ها در تهران هر کدام براساس تقسیم‌بندی خاص خود حوسل عمل کرده‌اند. به‌عنوان مثال وقتی نظامی از ارتش تهران نشان می‌کند و می‌رسیم ادارات آن به کجا مرتبط می‌شوند، می‌گویند مثلا این گروه شهرادری منطقه ۱۲، آموزش و پرورش منطقه ۱۱ است. اب با بوعلی است و گزارش به مرکز است. است و دفاع مشخص نیست چه کسی طرف حساب است. شهنیم که سوم این است که حجه زبانی از حالت تهران و آلامرد در آمده‌ای مالیاتی کل کشور را به خزانه می‌دهید اما متعلقه کمتر از ۳ ازین بودجه دارند. اینها تمول می‌شود که تهران تصور ما این است که تهران شهری توسعه یافته و یکی توسعه‌یافته‌ترین و پربازخنده‌ها و سرزده‌ها را می‌کند. می‌تواند به یک کلانشهر می‌شود. به عنوان مثال مدارس، خانه‌های بهداشت، برخی اسخا، سانه‌ها و ورزش‌های تهران فرسوده‌ترین سیستم در کشور است. اینها نشان ازین بودجه دارند. اینها تمول می‌شود که تهران شهری به خود را تمام کرده‌اند. چالش‌ها و مشکلات بشری هم خوب می‌شود.



ادامه در صفحه ۱۰